

The educational role and position of history education in the education system

Eftekhar Gasemzadeh,¹Zeinab Ghadami²

Graduate Master, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Master's degree in Islamic revolution history, faculty of literature and humanities, Tehran khwarazmi university, Tehran, iran

Abstract

Education has been one of the most important social systems in different periods of history. Historical teachings are also considered part of the content of education and training of each period, which are taught in different ways according to the political and social conditions. Today, identifying and generalizing the methods that facilitate the teaching of different disciplines is one of the most important concerns of education planners, and the history course, as one of the most complex disciplines in the humanities, requires the use of effective methods in its teaching; Therefore, recognizing the role and place of history education in the process of Iran's education system, on the one hand, makes it possible to connect with the rich Iranian-Islamic culture and its brilliant scientific background, and on the other hand, provides the basis for the application of historical teachings, deepening this human-building knowledge. forgives. In this regard, in this research, we intend to address the most important goal of history education, i.e., the educational role and place of history education in the education system, using a descriptive-analytical method and relying on library resources. The findings of the research indicate that the teaching and study of history in today's world has become a learning lesson in educational institutions and has a major role in the education of young people, and the correct and scientific presentation of history lessons gives students the opportunity to strengthen their sense of self-knowledge and Finding identity through reflecting on history and learning lessons from it, as well as acquiring a set of appropriate behaviors based on historical teachings, achieve a coherent worldview to understand and interpret the basic concepts of life.

Keywords: history education, education, history textbooks, education.

¹Corresponding Author, Email: eftekhargasemzadeh@gmail.com

²Email: z.ghadami70@gmail.com

۱. مقدمه

به مجموعه حوادث و رویدادهایی که به دست انسان‌های پیشین انجام شده، تاریخ می‌گویند؛ این حوادث می‌توانند از نوع فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... باشند. تاریخ در معنای متعارف به معنای سرگذشت گذشتگان و یا به زبان ساده‌تر سرگذشت انسان در طول زمان است. در زبان عامه تاریخ را شرح و وصف وقایع گذشته می‌دانند: هنگامی که امری زمانش منقضی می‌گردد و به گذشته تعلق یافت در زمره تاریخ به شمار می‌آید. همه ملت‌های جهان تاریخ خود را پاس می‌دارند و در حفظ و آموزش آن به آحاد افراد خویش سعی بلیغ می‌گمارند؛ در هیچ جای جهان نمی‌توان کشوری را یافت که گذشته خویش را انکار کند حتی اگر به بخش‌هایی از آن نقد و نظری داشته باشد (درانی، ۱۳۸۷، به نقل از مهدی‌زاده، ۱۳۸۵).

تاریخ انباشتی از تجربیات گذشتگان و یکی از بهترین وسایل تربیت فرد است. تربیتی که از مطالعه تاریخ به دست آید بسیار مفید و مؤثر است و شاید بتوان گفت مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مطالعه تاریخ و تفکر درباره آن به دست آید، تربیت است. در عین حال تاریخ رابطه بین نسل‌های گذشته یا نسل حاضر و آینده است و بدون تردید ریشه وقایع زمان حال است و اگر ما تاریخ را از این نظر مورد مطالعه قرار دهیم، نه تنها فقط خاطرات گذشته را مرور کرده‌ایم بلکه تاریخ را علمی زنده و پویا می‌بینیم (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۲؛ محمودی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱).

آموزش تاریخ پیشینه‌ای به قدمت پیدایش تاریخ دارد و آدمی همواره آموزه‌های تاریخی را به شیوه‌های گوناگون به نسل‌های بعدی انتقال داده است. آموزش در هر زمینه‌ای که باشد، متناسب با سطح فرهنگ و تمدن جوامع شک می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای را پدید می‌آورد. ایرانیان در شکل‌گیری تمدن دنیای باستان سهم زیادی داشته‌اند و به همین دلیل در شمار نخستین پایه‌گذاران نظام تعلیم و تربیت در جهان شناخته می‌شوند. در نظام تربیتی ایرانی، آشنایی با آموزه‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ای داشته و آشنایی ایرانیان با هویت تاریخی‌شان، همواره از مهم‌ترین عوامل حفظ استقلال و پیروزی آنان در مبارزه علیه استیلای بیگانگان بوده است. در ایران تا دوران قاجار، «آموزش تاریخ» به شیوه‌های سنتی صورت می‌گرفت؛ تا اینکه حرکت نوگرایانه در عصر قاجار و بروز نهضت مشروطیت آن را دگرگون ساخت و سرانجام با تدوین کتاب‌های درسی و شروع آموزش رسمی، وارد مرحله تازه‌ای شد (عسکرانی، ۱۳۸۸: ۱).

تعلیم و تربیت از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی در ادوار مختلف تاریخ بوده است. آموزه‌های تاریخی نیز بخشی از محتوای تعلیم و تربیت هر دوره محسوب می‌گردد که متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی، آن را به شیوه‌های گوناگون آموزش می‌داده‌اند. امروزه شناسایی و تعمیم روش‌هایی که آموزش رشته‌های مختلف را تسهیل کند، از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های

برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت می‌باشد و درس تاریخ به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین رشته‌های علوم انسانی، نیازمند به کارگیری شیوه‌های مؤثر در آموزش آن است؛ بنابراین، شناخت جایگاه و نقش تربیتی آموزش تاریخ در روند نظام تعلیم و تربیت از سویی اتصال با فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و پیشینه درخشان علمی آن را امکان‌پذیر می‌سازد و از سوی دیگر زمینه را برای کاربست آموزه‌های تاریخی فراهم آورده، این دانش انسان‌ساز را ژرفا می‌بخشد.

تعلیم و تربیت ایران را می‌توان به دو دوره متمایز تقسیم کرد: «آموزش غیر رسمی» که در طول صدها سال به اشکال مختلف وجود داشته و «آموزش رسمی» که شکل نوین آن، به ویژه با الهام گرفتن از جوامع غربی در سده سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) پایه‌گذاری شد. تأسیس دارالفنون، دایر شدن مدرسه‌هایی با شیوه غربی و تشکیل وزارت علوم، روند تغییرات را شتاب بخشید و سرانجام با بروز نهضت مشروطیت، به شکل‌گیری آموزش رسمی انجامید. آموزش تاریخ که از دیرباز در نظام تربیتی ایران به آن پرداخته می‌شد، در نزد بنیان مدارس جدید با رویکردهای نوین مورد توجه قرار گرفت. آشنایی با تاریخ منحصر به مراکز علمی نبود و در طول قرن‌ها بین توده‌های مردم رواج داشته است. شبیه‌خوانی ریشه‌های عمیقی در سایر نمایش‌های آیینی ایرانی دارد. پرده‌خوانی، قصه‌گویی و نقالی، شاهنامه‌خوانی و سایر فعالیت‌هایی که تا پیش از تأسیس مدارس جدید در قالب روایت‌های عامیانه، گوشه‌هایی از تاریخ را به مخاطبان خود می‌آموختند، از مواردی هستند که جلوه‌هایی از نبوغ را برای آموزش عمومی تاریخ در جامعه ایرانی به نمایش می‌گذارند. در دوران معاصر استمرار جدال میان سنت و نوگرایی (شبه مدرنیسم) هر چند به مدون شدن محتوای آموزشی در قالب کتاب‌های درسی انجامید؛ لیکن همیشه سودمند نبود و موجب غفلت از پاره‌ای شیوه‌های کارآمد آموزش تاریخ شد (عسکرانی، ۱۳۸۸: ۲).

نقش و جایگاه تربیتی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت، مسأله است که نگارندگان مقاله تلاش دارند آن را شناسایی کنند. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تربیتی در برنامه درسی تاریخ که با آموزش آن منجر می‌گردد، از دیگر مواردی است که این پژوهش درصدد تبیین آن با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. در مورد آموزش تاریخ تا کنون در کتاب‌ها و مقالات به صورت پراکنده مطالبی آورده شده است که هر کدام آموزش تاریخ را از یک منظر مورد مطالعه قرار دادند که در نتیجه آن باعث می‌شود که محققان باز لازم بدانند که درباره تاریخ و آموزش آن به‌عنوان یکی از برنامه‌های درسی آموزش و پرورش، دست به قلم بشوند. وجود چنین آثاری که چگونگی وضعیت کنونی آموزش تاریخ را در سطوح مختلف تحصیلی مورد توجه قرار می‌دهند، نشانگر نیاز فزاینده‌ای است که در جامعه علمی برای بهبود وضعیت آموزش این درس احساس شده است.

۲. ضرورت نگارش و تدریس درس تاریخ با رویکرد تربیتی آن در تاریخ ایران

در فرهنگ ایرانی، آموزش تاریخ جایگاهی فراز داشت و «علم پادشاهان» شمرده می‌شد. در گذشته زندگی اجتماعی بر پایه سنت می‌چرخید و عموم مردم در فرآیند تعلیم و تربیت سنتی با تاریخ پیوند برقرار می‌کردند؛ لیکن «درس تاریخ»

ویژه تربیت شاهان، شاهزادگان، وزیران و دیگر کارگزاران حکومتی بود؛ زیرا برای کشورداری ضروری شمرده می‌شد. به‌عنوان مثال، یکی از مورخان قرن ششم هجری می‌نویسد:

«علمی که ملوک را باید که بعد از علم شریعت ... بدانند، سیر ملوک و اخبار پادشاهانست؛ و چون بر آن واقف شوند و سیرت و طریقت هر یک بخوانند و بدانند، آنچه خلاصهٔ مکارم اخلاق گذشتگان و سبب نام نیک در دنیا و مغفرت در عقبی بود، از بهر خود برگزینند و پیشوا و مقتدا سازند» (راوندی، ۱۳۶۴: ۶۵).

به همین سبب در پندنامه‌هایی که برای تربیت شاهزادگان و اصلاح پادشاهان نوشته می‌شد، همواره به نقش تربیتی تاریخ اشاره کرده‌اند. در «قابوس نامه» که یکی از مشهورترین اندرزنامه‌های فارسی است، نویسنده یکی از ویژگی‌های «ندیم» یا هم‌صحبت پادشاه را دانستن سرگذشت شاهان و مهارت استفاده مناسب از آموزه‌های تاریخی برشمرده و توصیه می‌کند:

«... پیش خداوند خصلت‌های ستوده ملوک گذشته همی گوید تا اندر دل پادشاه کار کند» (کیکاؤوس بن اسکندر، ۱۳۶۸: ۲۰۴).

یکی دیگر از اندرزنامه‌های فارسی «سیاست‌نامه» یا «سیرالملوک» نوشته خواجه نظام‌الملک می‌باشد که آن را در دو سال پایانی عمر برای «ملکشاه» سلجوقی تصنیف کرده است. سراسر این کتاب مشحون از روایات تاریخی می‌باشد؛ زیرا در نگاه وزیر پیر سلجوقی، تاریخ آینهٔ مملکت‌داری و تنظیم سیاست روز تلقی می‌گردد. شاید در کم‌تر کتابی از این دست، تا این اندازه میان گذشته و حال پیوند برقرار شده باشد. رویکرد به تاریخ برای ایجاد تغییر رفتار، چنان در نزد نویسنده اعتبار دارد که در موارد مختلف شاه را به خواندن تاریخ مفصل‌تر از آنچه در این کتاب آورده شده، تشویق می‌کند و می‌نویسد:

«... اگر (پادشاه) خواهد که بر احوال ایشان (خوارج) واقف شود، تاریخ‌ها باید خواند ... بنده از صد، یکی، یاد خواهد کرد تا معلوم رأی عالی (گردد)» (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

از نگاه مورخ سنتی همان‌طور که پزشکان برای مداوای بیماران از روش‌های مرسوم گذشته سود می‌برند و ادیبان به مطالعه آثار نویسندگان و شاعران پیش از خود اهتمام می‌ورزند، پادشاهان نیز ناگزیر از آموختن تاریخ هستند (ابن فندق، ۱۳۱۷: ۱۵).

تأکید بر نقش تربیتی تاریخ به‌ویژه برای پادشاهان توسط مورخان ایرانی به این دلیل است که در نظام‌های خودکامه و فردگرا، تمایلات فرمانروا اثری انکارناپذیر بر سرنوشت جامعه دارد. ایشان باور داشتند:

«... دانستن علم تاریخ از جمله علوم ضروریه باشد به تخصیص پادشاهان شوکت آثار و سلاطین با اقتدار را که ایشان بعد از انبیا و اولیا خلاصهٔ موجودات‌اند و امور سایر اهل عالم، منوط به رأی صواب‌نمای ایشان است» (میرسید ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۴۵: مقدمه).

به این ترتیب تعالیم تاریخی همواره برای تربیت مدیران جامعه و کارگزاران حکومتی در ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته و به‌عنوان روشی مؤثر در تغییر مطلوب رفتار آنان به کار می‌رفته است.

۳. نقش تربیتی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت محصول تاریخ و عاملی اساسی در سرنوشت فرد و جامعه است. به ویژه در عصر کنونی که تعلیم و تربیت باید انسان‌ها را برای همساز شدن با تغییر و تبدیل که خصیصه اساسی روزگار ماست، آماده سازد. آموزش و پرورش در تمام دوران تاریخ انسان دارای هدف بوده است. این هدف بر حسب زمان و مکان و اختلاف نیازهای حیاتی مردم تغییر پیدا می‌کرده است. عوامل گوناگون طبیعی، اجتماعی، دینی، اقتصادی، سیاسی ... در تعیین هدف‌های آموزش و پرورش مؤثر بودند. مطالعه در تاریخ هدف‌های تربیتی نشان می‌دهد که در هر زمان انسان به جنبه خاصی از زندگی (در ارتباط با نیازهای آنی خود) توجه داشته است و مربیان آن را هدف غایی آموزش و پرورش قرار داده‌اند.

در باب رویکردهای تربیتی تاریخ باید خاطر نشان کرد که همان‌طور که تعلیم و تربیت دو جنبه فردی و اجتماعی دارد، تاریخ نیز دارای چنین ویژگی است. مطالعه تاریخ برای خود، بخشی از جنبه فردی است. اصرار حکومت بر برنامه درسی خاصی در مدارس بخشی از جنبه عمومی آموزش تاریخ است (استنفورد، ۱۳۸۴: ۱۰۹). نگرش‌های فردی به تاریخ از تجارب و خاطرات شخص سرچشمه می‌گیرند؛ یعنی از علاقه خاص خود فرد که به وسیله این تجارب برانگیخته شده و به وسیله عواطف شخصی تقویت شده است؛ اما نگرش‌های عمومی به تاریخ از آنچه خوشایند فرد است، نشئت نمی‌گیرد بلکه آن‌ها از آنچه دیگران گمان می‌کنند، فرد باید باور داشته باشد، سرچشمه می‌گیرند. نگرش‌های عمومی به وسیله سیاستمداران، روزنامه‌نگاران، و مربیان شکل می‌گیرد (رنجبر و کشاورز، ۱۳۹۲: ۶-۷). حال در این بخش قصد بر آن داریم، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تربیتی آموزش تاریخ که فراگیران در آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی به دست می‌آورند، پردازیم.

۳-۱. بهره‌مندی فراگیران از اندرزهای اخلاقی

تاریخ یکی از بهترین و مهم‌ترین سرچشمه‌های تعلیم و تربیت است. نظام‌های تربیتی بیشتر کشورها بر درونی شدن ارزش‌های انسانی از قبیل: عدالت طلبی، میهن دوستی، سخت کوشی، علم آموزی و درست کرداری تأکید دارند. مطالعه منابع تاریخی نظیر سفرنامه‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، کتاب‌های مقدس و سایر متونی که هر کدام حاوی نکته‌هایی از سجایای والای انسانی هستند، موجب بهره‌مندی فراگیران از اندرزهای اخلاقی می‌شوند. این منابع به دلیل ارتباط مستقیم و مؤثری که با زندگی واقعی و شخصیت‌های حقیقی دارند، آموزه‌های عملی را عرضه می‌کنند و به دلیل باورپذیری، اثربخشی بیشتری در انتقال صفات انسانی دارند (عسکرانی، ۱۳۸۸: ۴۶). قرآن نیز انسان‌ها را به مطالعه تاریخ دعوت کرده است، چهارده بار (هفت بار به صورت امر و هفت بار به صورت استفهام انکاری که بار تأکیدی دارد) و در هر بار تقریباً با یک مضمون، انسان‌ها را به گردش روی زمین و مطالعه احوال ملت‌های سابق دعوت کرده است. قرآن در این سطح به

انسان امکان می‌دهد با عقل خود و روش‌ها و بینش‌های متعدد و متکثر که در طول زمان شکل می‌گیرند به مطالعه تاریخ بپردازد (پرهون، ۱۳۸۲: ۳۶؛ احمدی، ۱۳۹۷: ۲۷).

۲-۳. بیدارسازی احساس مباهات و میل به پیشرفت در دل نوجوانان و جوانان

آشنایی با گذشته پر افتخار، به ویژه در کشورهایی که تاریخ طولانی دارند، احساس مباهات و میل به پیشرفت را در دل نوجوانان و جوانان بیدار می‌سازد. دانستن اینکه نیاکانشان در سایه تلاش از رنج معاش آسوده‌اند و روزگار خوشی را سپری کرده‌اند، به ایشان انگیزه و اعتماد به نفس می‌بخشد. از سویی تاریخ به آنان یادآور می‌شود که ساختار قدرت همواره در تغییر است و بیش از حد فریفته آن نباید شد. یکی از اقدامات آموزش و پرورش در جوامع می‌تواند تقویت حس میهن پرستی و علاقه به زاد و بوم در وجود افراد باشد. با استفاده از یادداوری افتخارات و شکوه و عظمت گذشته سرزمین فرد در همه ابعاد و شئون زندگی می‌تواند به قوت این حس کمک کرد. درس تاریخ به علت اینکه درسی است که حماسه‌ها و قهرمانی‌ها و افتخارات گذشته ملت‌ها را بازگو می‌کند شاید بهترین درس برای نیل به آن هدف باشد. امروزه اغلب مردم از افتخارات گذشتگان خود اطلاع ندارند؛ به دیگر سخن، تاریخ منطقه، شهر و کشورشان برای آن‌ها واضح نیست بنابراین آموزش تاریخچه محل سکونتشان می‌تواند سبب شود مردم گذشته خود را آنچنان که بوده بشناسند. در واقع اگر فردی از گذشته، پیروزی‌ها و افتخارات منطقه خود در دوران مختلف مطلع شود دچار احساس غرور و اعتماد به نفس خواهد شد و سبب می‌شود علاقه به شناسایی سرزمین خود بیشتر از قبل شود (محمودی معظم، ۱۳۹۰، صص ۸۶-۸۷؛ قدمی و قاسم‌زاده، ۱۴۰۱: ۳).

۳-۳. فروتنی و تواضع و بازداری از غرور بی‌حاصل

خواندن شرح حال کسانی که روزگاری بر سریر قدرت بودند و زمانی بر اثر بی‌تدبیری و تن‌آسایی به خاک مذلت نشسته‌اند، فروتنی و تواضع را به‌عنوان نخستین درس تاریخ به نوجوان می‌آموزد و او را از غرور بی‌حاصل باز می‌دارد.

منشی جلال‌الدین خوارزمشاه با اشاره به سرنوشت تلخ ولی نعمت خود می‌نویسد:

«... چون غرض از اثبات آثار و تخلید اخبار، افادت تجربه و اعتبار و اعطای تنبه و استبصار است، تقلب روزگار با سلطان جلال‌الدین ... در افادت این غرض ابلغ‌ست؛ چه، امثال غرایب احوال او جز در اساطیرالاولین ... نتوان یافت» (شهاب‌الدین نسوی، ۱۳۶۵: ۴).

منشی دیگری که در خدمت آل‌ظفر بود، پایان دردناک این خاندان را «سبب انتباه خردمندان و اعتبار هوشمندان» برشمرده و از خداوند برای نسل‌های آینده آرزو می‌کند:

«... همگان را دیده عبرت و بصر بصیرت یاب کرامت کناد تا دل در جهان فانی نبندند و زمام احوال کلی به دست غفلت فرو نگذارند و راستکاری سبب رستگاری دانند» (کنبی، ۱۳۶۴: ۲۹۰).

تأکید بر اصرار و مطالعه حوادث تاریخی به منظور شناخت و پی بردن به علل ظهور تمدن‌ها، انهدام اقوام و ملل و کیفیت بروز انقلاب‌ها و تحولات تاریخ و همچنین به منظور عبرت گرفتن و درس گرفتن و به کار بستن قوانین تاریخی و پیروی از سنت‌های تغییرناپذیر آن است. در اصطلاح قرآن سیر و گردش در زمین به معنای مطالعه تاریخ به کار رفته است (پایدار، ۱۳۸۰: ۹).

توجه به تاریخ و دگرگونی‌های آن این فرصت را به انسان عرضه می‌کند که از آنچه دیگران انجام داده‌اند درس عبرت بگیرد. از اینکه ابن خلدون کتاب خود را «العبر» نام می‌نهد پیداست که تا چه حد به تجربه تاریخی اهمیت می‌داده است. رویدادهای تاریخی اگر در جزئیات هم باهم اختلاف دارند، اسباب و موجبات کلی آن‌ها و تدابیری که برای برخورد با آن‌ها می‌توان اتخاذ کرد تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و گذشته یک قوم و یک فرد برای قوم و فرد دیگر می‌تواند سودمند باشد. در واقع تاریخ تجربه‌های گذشته را به تجربه‌های کنونی ما می‌افزاید و زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۷).

۳-۴. پرورش و تقویت حس زیباشناسی و خلق آثار و آفرینش‌های علمی و هنری

آشنایی با موارث فرهنگی موجود در موزه‌ها و مندرج در آثار تاریخی، حس زیباشناسی را در وجود افراد پرورش می‌دهد و آنان را برای خلق آثار جدید و آفرینش‌های علمی و هنری بر سر ذوق می‌آورد. تاریخ نیروی «تخیل» را که بخشی مهم از ساختار روحی و فکری انسان است، پرورش می‌دهد. آموخته‌های تاریخی هرگاه با تخیل همراه شود، قدرت الهام‌بخش شگفت‌انگیزی به دست می‌آورد. بسیاری از آثار بزرگ هنری و حتی مفاهیم بلند فکری با الهام‌گیری از آثار تاریخی یا شخصیت‌های تاریخی و وقایع سرنوشت‌ساز پدید آمده‌اند. ژرف‌اندیشی در تاریخ، ارجمندی هنر را به خوبی آشکار می‌سازد؛ زیرا:

«... از چندان مملکت عریض و حشمت مستفیض و نعمت فراوان و اموال بیکران و خزاین بیشمار و دفاین بسیار و اسباب کامرانی و تنعمات این جهان که سلطان محمود غزنوی را حاصل بود، امروز نام نیک و ذکر جمیل وی، جز به واسطه سخن عنصری و فردوسی و عتبی باقی نمانده است» (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۳۳).

۳-۵. مطالعه تاریخ: کمک به افراد جهت پای‌بندی به ارزش‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری آن‌ها

نظام‌های تعلیم و تربیت همواره برای شهروندانی مفید و پای‌بند به ارزش‌های اجتماعی برنامه‌ریزی می‌کنند و می‌کوشند با شیوه‌های صحیح، میزان جامعه‌پذیری افراد را افزایش دهند. مطالعه تاریخ از طریق تشخیص سازمان‌بندی‌های اجتماعی،

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوره‌های مختلف و مرزبندی حیطة فعالیت هر کدام در بعد تاریخی، به تنظیم روابط شهروندان با این نهادها یاری می‌رساند و امکان مقایسه هوشمندانه در عملکرد هر یک را فراهم می‌کند.

شهروند شایسته از طریق کسب مهارت‌های زندگی، خود را برای مشارکت فعال در امور اجتماعی آماده می‌سازد. متصدیان تربیتی می‌کوشند برای پرورش استعداد‌های افراد، نمونه‌هایی از افراد موفق را معرفی نمایند. شرح زندگی نخبگان و توصیف شرایطی که استعداد‌های افراد برجسته را بارور ساخته، جز به کمک تاریخ ممکن نیست. آشنایی با ویژگی‌های مشاهیر تاریخ نظیر مسئولیت‌پذیری، خودآگاهی، قدرت تصمیم‌گیری، توان ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران، داشتن تفکر خلاق و سازنده، نحوه حل مسایل و شیوه مقابله با مشکلات و فشارهای روانی، به فراگیران کمک می‌کند تا الگوهای روشنی برای تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی خود داشته باشند. تاریخ لوحه آزمون نام‌آوران و معرف صفات کامکاران عالم است. در نتیجه:

«... خواندن سیر سلف از سیاست پسندیده و تدابیر صائب و رأی‌های راست و حیل مؤثر که به واسطه آن از شدايد خلاصی یابند و مکاید که به استعانت آن بر اعداء مظفر شوند و به مرادات واصل گردند ...» (هندوشاه نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲).

مأنوس شدن فراگیران با مفاهیمی مانند: «تغییر»، «تحول» و «تداوم»، به آنان می‌آموزد که هرگونه سکون و سستی محکوم به نیستی و پویایی و حرکت رمز موفقیت است. آگاهی از اینکه اعمال و افعال آدمی هر قدر هم که کوچک و محدود باشد، در محیط پیرامون و آینده هستی اثر می‌گذارد، او را به مدیریت و هدایت رفتار خود واقف می‌گرداند. «سلطان محمد خوارزمشاه» تنها لحظه‌ای از دادن پاسخ مناسب به سفیران مغول غفلت ورزید و سیل بنیان کن آنان به ایران سرازیر شد؛ زیرا خوارزمشاه:

«... اعتقاد کرد که اگر با چنگیزخان جواب به لطف گوید، طمع او زیادت شود. خود را بگرفت و تجلدی نمود و فرمود تا آن رسولان را بیگناه به قتل آوردند و به شومی آن چند خون ناحق، چندین اهل اقالیم - که جمله مسلمان بودند - هدر شد ... کینه‌ای توخت و جهانی سوخت» (شهاب‌الدین نسوی، ۱۳۶۵: ۵۲).

۳-۶. امید به آینده و شکیبایی هنگام سختی‌ها

تاریخ، به‌عنوان معلم عقل و احساس، نقش مهمی در حیات جامعه بازی می‌کند. اطلاعات تاریخی یکی از مهم‌ترین ابعاد درک و فهم اجتماعی است که بدون آن، انسان به زودی نمی‌تواند به کمال برسد. تاریخ با ذکر وقایع بزرگ، سرنوشت‌ها و سرگذشت‌های شگفت‌انگیز، اضطراب‌ها و موفقیت‌ها، فرصت‌های مغتنمی را در اختیار خواننده می‌گذارد تا از آن‌ها بیاموزد. بشر از دیرباز به آینده‌ی بهتر می‌اندیشیده و تاریخ، مجموعه‌ای از تجربیات ناب بشر است که می‌تواند براساس آن آینده‌اش را بسازد (ن.آ. یروف یف، ۱۳۶۰: ۱۸۶). کسانی که گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهند، بی‌شک به نقش تاریخ

در تربیت واقف‌اند. چنانکه رژه‌گال معتقد است: «اگر موضوعی از گذشته باشد که بتواند بر روی حال و آینده اثر داشته باشد همان تربیت است، زیرا در تمدن بشری هزاران آزمایش را می‌شناسیم که نیاز به آزمودن مجدد آن‌ها نداریم» (گال، رژه، ۱۳۴۸: ۷). همچنین ولتر فرانسوی معتقد است که: «تاریخ فقط منحصر به شرح جنگ‌ها و ذکر سلسله‌ی سلاطین و حکمرانان و وقایع آن‌ها نیست، بلکه عبارت است از وصف زندگی مردم گذشته با تمام معانی که از زندگی در نظر است، یعنی تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بشر» (صدیق، ۱۳۳۶: ۲). امید به آینده و شکیبایی هنگام سختی‌ها از درس‌های تاریخ است و دانایان تاریخ عقیده داشتند:

«... ضمایر اصحاب اقتدار و اختیار در وقوع قضایای هایل و حوادث مشکله به سبب مطالعه این فن (تاریخ) مطمئن و برقرار ماند؛ چه اگر ناگاه ... صعوبتی روی نماید، امید فتح و کشف منقطع نگردد؛ زیرا که در زمان سالفه بسیار بوده است که واقعه عظمی و داهیة کبری دست داده و از محض عنایت کردگار به اسهل وجهی گذشته است» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۵).

مطالعات ژرف‌تر تاریخی، توانایی افراد را برای داوری آگاهانه و مستدل درباره زمین‌های بروز رویدادها تقویت می‌کند. درس تاریخ با مقایسه شرایط هم‌سان در گذشته و حال، مجال پیش‌بینی منطقی آینده را فراهم می‌آورد و با شناخت ریشه‌های وقایعی که پیرامون افراد رخ می‌دهد، آنان را در ارزیابی صحیح عملکردشان یاری می‌کند. در این رهگذر بهترین مشاوران برای طراحی فعالیت‌هایی که به منظور اثرگذاری مثبت بر حوادث آتی صورت می‌گیرد، درس‌های تاریخ‌اند؛ زیرا:

«متأمل علم تاریخ را در واقعه‌ای که سانح شود، مرتبه مشورت با عقلای عالم دست داده باشد و علو مرتبه‌ای این نوع مشورت، نسبت با مشورت انباء عصر ظاهر است؛ چرا (که) اکابر پیشین در وقایعی که ایشان را روی نموده، مصالح خاصه خود را مرعی داشته‌اند و اهل مشورت این روزگار ... منافع خود را نگاه می‌دارند ... و در حفظ امور خویش امین‌تر باشند ...» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۴). در حالی که سرچشمه جوشان تاریخ، تفکر زلال پیشینیان را بی‌دریغ در اختیار همه قرار می‌دهد.

اگر به تاریخ از حوزه معرفت و دانش نگاه کنیم، می‌بینیم که ناخودآگاه به تأمل در سیر رویدادهای گذشته فرا خوانده شده‌ایم. تأمل در فرایند ظهور و سقوط حکومت‌ها و اوج و حضيض‌هایی که تمدن‌های مختلف داشته‌اند ما را متوجه توصیه‌های مختلفی می‌کند که از منابع قرآنی و یا آثار ادبی که ریشه در منابع تاریخی دارند، برخاسته‌اند. با مطالعه منابع تاریخی در می‌یابیم که تاریخ برای حکومت‌گران، قدرت پیش‌بینی تحولات و رخدادهای آینده را در بر دارد. حتی فرمانروایان، تاریخ را معلم و مشاور خود می‌دانستند و از آن درس عبرت می‌گرفتند (هاشم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۳). رفتارهای بونصر مشکان در تاریخ بیهقی گویای این مطلب است: هنگامی که محمود غزنوی دستور دستگیری ترکمانان را صادر می‌کند، بونصر مشکان می‌داند که این کار برایش پیامد بدی دارد. پس دستور می‌دهد گوسفندان را بفروشند و با زر و سیم نقد کنند، و خیر خیر (رایگان) غارت نشود و به غزنین بفرستند؛ و به بیهقی می‌گوید:

«مثال دادم تا گوسپندان من بفروشدند تا گرچه ارزان تر بفروشند، باری چیزی به من رسد و خیر خیر غارت نشود» (فرهنگی، ۱۳۸۲: ۵۱).

۳-۷. ایجاد روحیه همبستگی و ایجاد هویت ملی در بطن جامعه

یادگیری تاریخ به دمیدن روحیه همبستگی و ایجاد هویت ملی در بطن جامعه کمک می‌کند. به هر بخش تاریخ که مراجعه شود، رابطه‌ای روحی و فکری و انس و همدلی با آن برقرار می‌گردد. اینجاست که درس تاریخ با عاطفه افراد پیوند می‌خورد. تاریخ مشترک یک ملت و تلخ و شیرین وقایعی که از سر گذرانده‌اند، احساس همدلی و همدردی و همراهی را در آنان به وجود می‌آورد. تأکید بر درس تاریخ در تمامی کشورهای جهان، به‌عنوان جزئی اساسی از برنامه‌های آموزشی، بیشتر به همین دلیل صورت می‌گیرد؛ زیرا هیچ قسمت از فرهنگ یک جامعه به اندازه تاریخ در هویت‌بخشی مؤثر نیست. کتاب‌های درسی تاریخ با ترسیم جغرافیای تاریخی و بر شمردن فداکاری پیشینیان برای حفظ سرزمین مادری و نیز با ذکر خصایل نیکوی نیاکان و نشان دادن نقش عواملی چون زبان و فرهنگ و ملیت و سایر عناصر قوام دهنده هویت ملی در گستره تاریخ، سهم بزرگی در هویت‌یابی جوانان دارند. آگاهی از هویت تاریخی گذرگاه رسیدن به هویت ملی است و از این منظر مورخان معلمان بزرگ جوامع بشری در نیل به همبستگی و وحدت ملی هستند.

سرنوشت مشترکی که مردمان ایران در طول تاریخ داشته‌اند، اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها، موجب نوعی از وحدت ملی در ایران شده است. این امر، اهمیت درس تاریخ را در میان سایر دروس نشان می‌دهد. همین جایگاه تاریخ را در دروس دیگری مثل ادبیات فارسی یا دروس ذینی هم می‌بینیم. آن‌ها هم به وحدت ملی و حفظ فرهنگ و آرمان‌های ملی و مذهبی در جامعه ما کمک می‌کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۶).

از سوی دیگر آشنایی با تاریخ به افراد آموزش می‌دهد که چگونه به مناطق مختلف جهان احساس تعلق کنند. آشنایی با تاریخ ملل دیگر و ژرف‌نگری در دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آنان، حس احترام به سایر ملت‌ها را در ضمیر جوامع بیدار می‌سازد و از یک‌سونگری و خودبینی بازشان می‌دارد. همچنین با مطالعه تاریخ سهم ملل مختلف در ایجاد تمدن امروز آشکار می‌شود و زمینه درک و تحمل الگوهای مثبت فرهنگ‌های دیگر فراهم می‌شود. اگر ما برای حفظ میهن خویش می‌کوشیم، دیگران نیز سرزمین خود را دوست دارند؛ بنابراین، شایسته احترام هستند و این خود راهگشای صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

۳-۸. نقش طراوت‌بخشی و شاداب‌سازی درس تاریخ در برنامه‌های آموزشی

در کنار تمامی مواردی که اشاره رفت، نقش طراوت‌بخشی و شاداب‌سازی درس تاریخ را در برنامه‌های آموزشی نمی‌توان از نظر دور داشت. تجربه نشان داده است در مواردی که محتوای آموزشی به‌خوبی تدوین شده و معلم تاریخ نیز انگیزه

کافی برخوردار بوده، درس تاریخ یکی از شیرین‌ترین و پر جاذبه‌ترین درس‌ها برای فراگیران است. یکی از مورخان قرن ششم هجری می‌نویسد:

«علم تواریخ علمی لذیذ است (و) مقبول؛ فایدهٔ هشاشست و بشاشست به ارزانی دارد و به ملالت و سامت کم‌تر ادا کند ... و بنان و زبان از تحصیل آن قاصر نگردد ...» (ابن فندق، ۱۳۱۷: ۸).

در کتاب «تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار بشر» اشاره شده:

«... مطالعهٔ فن سیر و آثار، زنگ حزن و ملال از مرآت جنان ناظران مناظم فضل و کمال بزدايد ...» (خواندمیر، ۱۳۳۳ق: ۳).

و نویسنده دیگری نیز چنین ابراز عقیده می‌کند:

«تاریخ علمی است که خرمی و بشاشست از وی حاصل آید و زنگ شئامت و ملالت از آیینۀ خاطر زداید و ... چنانچه حسن بصر از صور حسنه محضوظ می‌شود و ملول نمی‌گردد، حسن سمع نیز از استماع اخبار و آثار ملول نمی‌گردد؛ بلکه هر لحظه او را بهجتی و مسرتی می‌افزاید» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۲).

اینگونه است که برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت سراسر جهان، بر چگونگی ارائه درس تاریخ حساس بوده‌اند. ایالات متحده نزدیک به سیصد سال تاریخ مشخص دارد و عمر تاریخ ملی آن از این هم کمتر است. کشورهای چون کانادا و استرالیا و نیوزیلند نیز کمابیش چنین وضعیتی دارند. صرف نظر از کشورهای چون یونان و ایتالیا (روم)، تاریخ مشخص و روشن بسیاری از کشورهای اروپایی به زحمت از هزار سال فراتر می‌رود؛ لیکن درس تاریخ سهم قابل ملاحظه‌ای از برنامه و کتاب درسی آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۳).

در ایران با وجودی که بیش از صد سال از آموزش رسمی درس تاریخ می‌گذرد، هنوز جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت به درستی تعیین نشده و به هیچ وجه متناسب با شأن و منزلت کشوری که دارای تمدنی چند هزار ساله با تاریخی تحسین برانگیز و شناخته شده است، نمی‌باشد. آموزش تاریخ از پایه‌های مهم نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. مواردی که در بالا اشاره شد، تنها بخشی از تأثیراتی است که آموزش تاریخ بر تربیت نسل‌های آینده دارد؛ بنابراین، برای بازخوانی آموزه‌های تربیتی تاریخ، باید با تمام وجود کوشید.

کارکرد تعلیم و تربیت در مقیاس تاریخی، افزون بر انتقال موارث فرهنگی و تجارب بشری، تغییرات مطلوبی را در نگرش‌ها و رفتار افراد جامعه پدید می‌آورد که از این رهگذر نیز بر کنش تاریخی جوامع اثر نهاده و شکل‌پذیری نظام‌های اجتماعی را سامان می‌بخشد. مطالعه تاریخ در دنیای کنونی به درس فراگیری در نهادهای آموزشی تبدیل شده و نقش عمده‌ای در تربیت جوانان دارد. ارائه درست و علمی درس تاریخ به دانش‌آموزان و دانشجویان این فرصت را می‌دهد که با تقویت حس خودشناسی و هویت‌یابی از طریق تأمل در تاریخ و عبرت‌آموزی از آن و نیز کسب مجموعه‌ای از رفتارهای مناسب بر اساس آموزه‌های تاریخی، به جهان‌بینی منسجمی برای فهم و تفسیر مفاهیم اساسی زندگی دست یابند. آنان در پرتو برخورداری از آموزش هدفمند تاریخ قادر خواهند بود که درباره موضوعات مختلف بر حسب موقعیت‌ها، اهداف و پیامدها به شیوه علمی بیان‌دیشند و بدون تعصب به ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات اجتماعی بپردازند. امروزه با آشکار شدن نتایج سودمند مطالعات تاریخی، صاحب‌نظران هر چه بیشتر به اهمیت این شاخه از دانش بشری واقف گردیده و آموزش آن را برای تربیت شهروندانی شایسته و رسیدن به توسعه پایدار در کشور ضروری می‌شمارند؛ بنابراین، اگر تاریخ را به مثابه جزئی جدایی‌ناپذیر از نظام تعلیم و تربیت هر عصر به شمار آوریم، ارزش و اهمیت شناخت موضوع آموزش تاریخ در روند تعلیم و تربیت ایران مشخص می‌شود.

منابع

۱. ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷)، *تاریخ بیهقی*، با تصحیحات و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران: بنگاه دانش.
۲. احمدی، طاهره؛ احمدی، غلامعلی (۱۳۹۷)، «آموزش تاریخ: ضرورت‌ها و شیوه‌های نوین»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، دوره بیستم، شماره اول، صص ۲۶-۳۱.
۳. احمدی، غلامعلی (۱۳۸۰)، «هنوز در آغاز راه هستیم (مصاحبه)»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، شماره پنجم.
۴. استنفورد، مایکل (۱۳۸۴)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، معاونت پژوهشی، دانشگاه امام صادق (ع).
۵. پایدار، حبیب‌اله (۱۳۸۰)، *برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: انتشارات سلمان.
۶. پرهون، حسن (۱۳۸۲)، «ضرورت بازنگری و اصلاح روش‌های آموزش تاریخ»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان.
۷. خواجه نظام‌الملک توسی (۱۳۷۲)، *سیاست‌نامه؛ سیرالملوک*، با مقدمه و تعلیقات عطاءالله تدین، تهران: انتشارات تهران.

۸. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر*، با مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران: خیام.
۹. خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۹)، «ضرورت توجه بیشتر به تاریخ»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، سال اول، شماره پی در پی ۲، صص ۲ و ۳.
۱۰. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، *راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق*، به سعی و تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳)، *جامع‌التواریخ*، ۴جلد، به تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز.
۱۲. رنجبر، محمدعلی؛ کشاورز، هادی (۱۳۹۲)، «رویکرد تربیتی تاریخ و تعامل با نظام تعلیم و تربیت»، *فصلنامه پارسه*، سال سیزدهم، شماره بیستم، صص ۱-۳۴.
۱۳. زرین‌کوب، حسین (۱۳۷۵)، *تاریخ در ترازو*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. شهاب‌الدین محمد نسوی (۱۳۶۴)، *سیرت جلال‌الدین مینکبرنی*، ترجمه از مترجمی نامعلوم، به تصحیح و مقدمه و تعلیقات مجتبی مینوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. صدیق، عیسی (۱۳۳۶). *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. عسکرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، *روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران*، رساله دکتری رشته‌ی تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه تبریز.
۱۷. فرهنگی، سهیلا (۱۳۸۲)، «بررسی چهره‌ی بونصر مشکان در تاریخ بیهقی»، *مجله آموزش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶۵ تا ۶۸.
۱۸. قدمی، زینب؛ قاسم‌زاده، افتخار (۱۴۰۱)، «چرایی اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ محلی در مدارس»، *نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران*، مؤسسه آموزش عالی آل طه و مرکز مطالعات و تحقیقات علوم و فنون بنیادین، صص ۱-۱۴.
۱۹. کتبی، محمود (۱۳۶۴)، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. کیکاووس بن اسکندر (۱۳۶۸)، *قابوس‌نامه*، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. گال. رژه (۱۳۴۸)، *تاریخ تربیت*، ترجمه محمد مشایخی، تهران: بی‌نام.
۲۲. محمودی‌زاده، عبدالله (۱۳۹۰)، *مطالعه‌ی ابعاد آموزش تاریخ محلی در برنامه‌ی درسی تاریخ از دیدگاه معلمان تاریخ و دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه (مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده ادبیات، گروه علوم تربیتی، دانشگاه کردستان.

۲۳. مهدی‌زاده، احمد (۱۳۸۵)، ضرورت تحول در آموزش تاریخ، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۴۱-۴۵.
۲۴. میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۸۰)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تصحیح جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
۲۵. میرسید ظهیرالدین مرعشی (۱۳۴۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران: شرق.
۲۶. ن.آ. یروف یف (۱۳۶۰)، تاریخ چیست؟، ترجمه محمد تقی‌زاده، تهران: نشر جوان.
۲۷. هاشم‌آبادی، زهرا (۱۳۸۹)، «نقش آموزش تاریخ در تربیت»، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره یازدهم، شماره سوم.
۲۸. هندوشاه نخجوانی (۱۳۱۳)، تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران: مطبعه فردین.

